

مجموعه‌ای برای ۹۰سالگی سهراب سپهری

مدیر پروژه فرهنگی سهراب سپهری از مجموعه اقدامات و محصولات و محصولاتی که در قالب مجموعه «من، سهراب سپهری» پس از چند سال تحقیق و گردآوری اطلاعات، همزمان با ۹۰ سالگی سهراب سپهری رونمایی شدند می گوید. علیرضا عزیزی درباره فعالیت‌های انجام شده این مجموعه به ایسنا گفت: بارنامه‌ریزی‌هایی که از قبل انجام شده بود در مجموعه موزه دیدی، در شمال کشور (محمودآباد) گرد هم آمدیم. با توجه به هشت سال فعالیت‌ی که روی پروژه «من، سهراب سپهری» انجام شد باید بگویم این مجموعه از نظر تنوع در حوزه‌های فرهنگی و میزان مشارکت هنرمندان در این مجموعه پروژه فرهنگی بزرگی محسوب می‌شود.

او افزود: سال ۱۳۹۰ با اولین دیداری که من با خانواده سپهری داشتم باعث این شد که شروع پروژه عظیم و بزرگی رقم بخورد و امسال در سال ۹۷ و ابتدای سال ۹۸ که ما تولید این محصولات را آغاز می‌کنیم در حقیقت هشت سال درگیر این پروژه بوده‌ایم و در بخش‌های مختلف محصولات متنوع و متعددی را بر مبنای همان عدد تمثیلی هشت که از «هشت کتاب» سهراب سپهری می‌آید در نظر گرفتیم؛ یعنی هشت عنوان کتاب، هشت عنوان آلبوم صوتی و موسیقی و هشت عنوان فیلم مستند.

مدیر پروژه فرهنگی سهراب سپهری افزود: دکتر صدری هاشمی، دکتر کاظمیان و من، مدیریت این پروژه ستادی را تشکیل دادیم. همچنین از مشاوره و راهنمایی‌های هشت نفر از افراد برجسته کشور در بخش بزرگداشت استفاده کردیم که شامل پنج عضو هیات علمی و سه عضو هیات مرکزی بودند. محمدمدعلی سجادی در بخش مستند، پیروز ارجمند در بخش موسیقی، مهدی حسینی در بخش هنرهای تجسمی، جواد یحیوی سخنگوی مجموعه در بزرگداشت، ولی‌لی کریمان از اعضای هیات علمی ادبی بودند، همچنین منوچهر معتبر از نقاشان معتبر کشور که آثارش در نمایشگاه وجود داشت.

عزیزی با بیان این که در بخشی که از سال ۹۰ شروع کردیم، از ۳۰۰ نفر اطلاعات کسب کردیم که ۱۵۰ نفر مصاحبه‌های تصویری انجام داده بودند و برخی از آن‌ها را از دست داده‌ایم. اظهار کرد: سعی کردیم هر کس اگر حتی یک شب را هم با سهراب سپهری هم‌نشینی داشته است از خاطراتش استفاده کنیم. البته تعدادی از این افراد هم با سهراب سپهری دوستی نزدیک داشتند یا از بستگان او بودند.

مدیر پروژه فرهنگی سهراب سپهری سپس بیان کرد: «چه کسی بود صدازد سهراب» نام یکی از فیلم‌های مستند ماست. در این مجموعه، فرهنگ شفاهی، مکتوب و تصویری درباره سهراب سپهری موجود است. دو کتاب آماده داریم که کارهای اداری آن‌ها انجام شده شامل «دایی جون سهراب» نوشته مهدی قراچه‌داغی بزرگترین خواهر زاده سهراب سپهری و دلیل انتخاب عنوان این اثر این است که همه خواهرزاده‌های سهراب او را «دایی جون» صدا می‌درند. کتاب دوم هم اثر محمد فیلسوفی همکلاسی قدیم سهراب سپهری است و نگاه یک همکلاسی به سهراب را روایت کرده است.

او افزود: از دیگر کتاب‌هایی که در این مجموعه وجود دارند نامه‌های سهراب به دوستانش و نامه‌های دوستان سهراب به اوست. در کتاب «تنها، تنها» ۱۰۸ مورد از تنهایی‌های سهراب را جمع‌آوری کرده‌ایم. همچنین اثر دیگر «من و سهراب خان و دیگران» نوشته خود من است که تجربیاتم را در این هشت سال با این ۳۵۰ نفر جمع‌آوری کرده‌ام. مجموعه نقاشی‌های سهراب سپهری که توسط مهدی حسینی گردآوری شده است و طراحی‌های سهراب سپهری از دیگر آثار این مجموعه هستند. او در ادامه درباره آلبوم‌های موسیقی موجود در این مجموعه گفت: شش عزیز خوش‌صدا از جمع سینماگران و گویندگان در دکلمه خواندن این مجموعه فعالیت داشته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ژرژ پطروسی، امیر آقایی، فرخ نعمتی، مسعود رایگان، رویا تیموریان و امین تارخ اشاره کرد. همچنین آهنگ‌سازان آن‌ها نیز پیروز ارجمند، بهزاد عبدی، آریا عظیمی‌نژاد و... بوده‌اند.



نگاهی به نمایشگاه نقاشی فرزانه محجوبی در گالری گویا

نسخه‌هایی از جهان مثالی نقاشی



کنیم، در کالبدهایی چون گیاه، پرنده و ماهی ظاهر می‌شوند که همچنان بر وجودی پالوده از عالم واقع اشارت دارند. زمان و مکان در این دیدگاه مفهومی نادیده گرفته شده است که همچون دیگر مؤلفه‌ای که می‌توان در کلیت مشترکی در تک‌تک آثارش دنبال می‌کنند؛ جهانی که بیش از همه از عواطف هنرمند سرچشمه می‌گیرد و مختصات‌ی را ترسیم می‌کند که جهان مطلوب او را برای مخاطب معنی می‌کنند. عنوان نمایشگاه فرزانه محجوبی یعنی «ترنم عشق» ناظر بر چنین دیدگاهی از سوی هنرمند است و کانتکتست یا زمینه‌آثار او را تبیین می‌کند. این جهان در برگیرنده تمامی است که در نسخه‌های متعدد آثار هنرمند تکثیر و دوباره و دوباره خلق می‌شود. وجود، تمامیتی قاطع را در این دیدگاه شکل می‌دهد که در جلوه‌هایی از طبیعت منزه و پالوده ظاهر می‌شود و به طرز معناداری از هرگونه کالبد انسانی تهی است. در عوض آنچه می‌توانیم به عنوان عناصر نقش‌آفرین در نقاشی‌های این هنرمند شناسایی

ادراک شهودی و آفریدن جهان مثالی

شاید عمده‌ترین مؤلفه‌ای که آثار این هنرمند را در ارتباط با نقاشی ایرانی قرار می‌دهد، ادراک شهودی در آفریدن جهانی مثالی است که هنرمند به عنوان فصل مشترکی در تک‌تک آثارش دنبال می‌کند؛ جهانی که بیش از همه از عواطف هنرمند سرچشمه می‌گیرد و مختصات‌ی را ترسیم می‌کند که جهان مطلوب او را برای مخاطب معنی می‌کنند. عنوان نمایشگاه فرزانه محجوبی یعنی «ترنم عشق» ناظر بر چنین دیدگاهی از سوی هنرمند است و کانتکتست یا زمینه‌آثار او را تبیین می‌کند. این جهان در برگیرنده تمامی است که در نسخه‌های متعدد آثار هنرمند تکثیر و دوباره و

دوباره خلق می‌شود. وجود، تمامیتی قاطع را در این دیدگاه شکل می‌دهد که در جلوه‌هایی از طبیعت منزه و پالوده ظاهر می‌شود و به طرز معناداری از هرگونه کالبد انسانی تهی است. در عوض آنچه می‌توانیم به عنوان عناصر نقش‌آفرین در نقاشی‌های این هنرمند شناسایی

آن‌ها را نیازمند دقت نظر بیشتری می‌کند. به این ترتیب آنچه را امروز به عنوان جلوه‌هایی از نقاشی ایرانی در میان آثار هنرمندان ایرانی می‌توان شناسایی کرد، در عین حال باید به عنوان تجربه‌ها و دریافت‌های شخصی هنرمندان در روبه‌رو شدن با این مؤلفه‌ها در نظر گرفت. به بیان دیگر آنچه در سرفصل نقاشی ایرانی در هنر معاصر ایران می‌توان دنبال کرد، شکل‌هایی گوناگون از دریافت‌هایی است که ویژگی‌های ساختاری و بیانی متکثری را شامل می‌شوند. بر این اساس نقاشی ایرانی امروز را بیش از همه از خلال مصداق‌هایی می‌توان بازشناخت که در عین حال ممکن است بسیار متفاوت از یکدیگر به نظر آیند.

نمایشگاه آثار فرزانه محجوبی در گالری خانه فرهنگ و هنر گویا می‌تواند یکی از این مصداق‌ها باشد که این روزها پیش‌روی علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی قرار گرفته است. اما آثار ارائه شده در این مجموعه چگونه به تجربه‌ای شخصی از دریافت‌های این هنرمند از مؤلفه‌های نقاشی ایرانی منجر شده است.

نگاه تازه

آیا هنر معاصر با پرشگری میانه‌ای ندارد؟

انسانی و در واکنش به اتفاق‌ها و مسائل موجود جز پرسش‌گری کاری دیگر انجام داده است؟ آیا اصلا هنرمند فلسفه‌ای را تبلیغ و یاد رک کار خودش منعکس کرده است؟ برداشتن بار مسئولیت اجتماعی از دوش هنرمند و متهم کردن او به تئوری بافی فلسفی در دوران معاصربه‌نظر حاصل نوعی سهل‌انگاری واز سویی تبلیغات است.این مسئله موجب شده هنرمند خود را تنها به آفرینش گرنوعی زیبایی در ساتح بصری تقلیل داده و از بیان نقطه‌نظر مستقیم خود و بیان نگاه خود نسبت به رخدادها و مفاهیم صرف نظر کند.این اتفاق اگر چه به عنوان یک مد قدرتمند حاکمیت پیدا کرده است اما موجب نوعی انفعال است که وجودش آسیب زنده است و می توان ساخت آن را به چالش کشید.

امروز بیشتر آثار هنری اگر چه از لحاظ تکنیکی و بصری قابل تامل هستند و به پیشرفت رسیده‌اند، اما کم‌تر اثری دیده می‌شود که حامل بیان دیدگاهی مشخص باشد. در حقیقت موضع هنرمند با مخاطب مشخص نیست و در نهایت مخاطب نمی‌داند که چه مسئله‌ای ذهن هنرمند را به خود واداشته است که دست به خلق چنین اثری زده است. در چنین شرایطی این بازار است که تعیین می‌کند در دوره زمانی مشخص چه آثاری باب‌طبع باشد و به نمایش در بیاید و چه آثاری قابل نمایش نیست.

اگر چه همه می‌دانند که هنرمند فیلسوف انسانی و در واکنش به اتفاق‌ها و مسائل موجود جز پرسش‌گری کاری دیگر انجام داده است؟ آیا اصلا هنرمند فلسفه‌ای را تبلیغ و یاد رک کار خودش منعکس کرده است؟ برداشتن بار مسئولیت اجتماعی از دوش هنرمند و متهم کردن او به تئوری بافی فلسفی در دوران معاصربه‌نظر حاصل نوعی سهل‌انگاری واز سویی تبلیغات است.این مسئله موجب شده هنرمند خود را تنها به آفرینش گرنوعی زیبایی در ساتح بصری تقلیل داده و از بیان نقطه‌نظر مستقیم خود و بیان نگاه خود نسبت به رخدادها و مفاهیم صرف نظر کند.این اتفاق اگر چه به عنوان یک مد قدرتمند حاکمیت پیدا کرده است اما موجب نوعی انفعال است که وجودش آسیب زنده است و می توان ساخت آن را به چالش کشید.

امروز بیشتر آثار هنری اگر چه از لحاظ تکنیکی و بصری قابل تامل هستند و به پیشرفت رسیده‌اند، اما کم‌تر اثری دیده می‌شود که حامل بیان دیدگاهی مشخص باشد. در حقیقت موضع هنرمند با مخاطب مشخص نیست و در نهایت مخاطب نمی‌داند که چه مسئله‌ای ذهن هنرمند را به خود واداشته است که دست به خلق چنین اثری زده است. در چنین شرایطی این بازار است که تعیین می‌کند در دوره زمانی مشخص چه آثاری باب‌طبع باشد و به نمایش در بیاید و چه آثاری قابل نمایش نیست.

اگر چه همه می‌دانند که هنرمند فیلسوف

می‌شوند. هنرمند در اینجا بر خلاف نقاشی سنتی ایران که اغلب وسعتی نامحدود را به تصویر می‌آورد، اجزای محدودی از جهان مثالی خود را قاب می‌گیرد و عناصر محدودی را در این قاب‌های گنجانده، چندشاخه گیاه و پرنده انگار برای تصویر کردن جهانی که مورد نظر اوست کافی به نظر می‌رسد. دو پرنده در میان چند شاخه گل بر پس زمینه‌ای از کوهستان و خورشید، دو پرنده نشسته بر گلبرگ‌ها، جفت پرنده در میان گل‌ها و خورشیدی بر فراز سر آن‌ها، انبوهی پرنده در هم خزیده و خورشیدی طلایی رنگ، تعدادی از مضامین نقاشی‌های این هنرمند را شکل می‌دهد. اما هنرمند در ساختن نسخه‌های متعدد از مضامینی که اندک تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، تصاویری متفاوت از یکدیگر را می‌سازد.

حرکت در مرز میان نقاشی ایرانی و هنر مدرنیستی

اگر بتوانیم عمده نقاشی‌های فرزانه محجوبی در این نمایشگاه را در ارتباط با «گل و مرغ» های نقاشی سنتی ایران در نظر بگیریم، اما هنرمند این مضمون را دست کم در شیوه‌های بیانی از آن خود می‌کند و در تلفیق با شیوه‌های بیانی تازه تر دریافت‌هایی تازه تر را از آن ارائه می‌دهد. به این ترتیب کلیت نقاشی‌های فرزانه محجوبی در مرز میان نقاشی ایرانی و هنر مدرنیستی است که هویت می‌یابد. ادراک هنرمند از مفهوم نقاشی، همانطور که پیش از این اشاره شد، در اینجا مبتنی بر عواطف و احساساتی است که باز هم در مرزی میان ناخودآگاه و آگاهی او در نوسان است.

او در مجموعه آثاری که دست کم در این نمایشگاه ارائه کرده، تلقی خود از فضای نقاشانه را با مخاطب در میان می‌گذارد. در نگاه او این نقاشی در خدمت ترسیم کردن فضای مطلوب و جهان آرمانی هنرمند است و تا اینجا ی کار از حیث کارکرد اثر هنری تا اندازه زیادی با ماهیت نقاشی ایرانی پیوند می‌یابد. شیوه بیان هنرمند اما

کلیت نقاشی‌های فرزانه

محجوبی در مرز میان

نقاشی ایرانی و هنر

مدرنیستی است که هویت

می‌یابد. ادراک هنرمند

از مفهوم نقاشی، در

اینجا مبتنی بر عواطف و

احساساتی است که باز هم

در مرزی میان ناخودآگاه و

آگاهی او در نوسان است

مسیری دیگر را در پیش می‌گیرد و از مؤلفه‌های هنر مدرنیستی در ساختار نقاشی‌ها بهره می‌گیرد. یکی از این مؤلفه‌های ترکیب‌بندی‌های آزاد و خلاقانه‌ای است که در نقاشی ایرانی کمتر می‌توان سراغ گرفت. بر خلاف قرینه‌سازی‌ها و ترکیب‌بندی‌های هندسی اجزا و عناصر چنانکه در نقاشی ایرانی مرسوم است، محجوبی در آثارش از ترکیب‌بندی‌های آزاد و گوناگونی بهره می‌برد. تقسیم‌بندی فضا و ارتباط‌های فرمی بین عناصر در آثار او به دلخواه و نه بر پایه قواعدی از پیش تعیین شده شکل می‌گیرد؛ هر چند همسین ویژگی تا اندازه ای با شیوه‌های بیانی مدرنیستی نزدیک می‌شود و از آن‌ها سرچشمه می‌گیرد. فضای رنگی آثار محجوبی هم در همین ارتباط معنی می‌یابد که متفاوت از ماهیت و محتوای تمثیلی عناصر، هر یک هارمونی متفاوتی را ایجاد می‌کند و تأثیر بصری خاص خود را ارائه می‌دهد. به این ترتیب هنرمند نه در ترکیب‌بندی‌ها و نه در فضای رنگی به طور مشخص از مؤلفه‌های نقاشی ایرانی پیروی نمی‌کند، اما با این وجود همچنان گوشه چشمی به ماهیت تمثیلی و نمادین این مؤلفه‌ها دارد. استفاده از رنگ‌هایی چون لاجوردی، طلایی و نظیر این‌ها که در بعضی از آثار او بر فضای رنگی غلبه یافته‌اند جلوه‌هایی دیگر از توجه هنرمند به بعضی از خصلت‌های بیانی نقاشی ایرانی است.



می‌گیرد. حال آن که به لحاظ شکل در ساتح تعاریف کلاسیک و مکتب‌های کلاسیک گنجانده شود. هنرمندی که هم چنان در گیر ذهنیتی مدرنیستی است و با امکانات هنر مدرنیستی دغدغه‌های معاصر خود را بیان می‌کند به واقع عملکردی معاصر دارد و می‌توان هنر او را هنر معاصر نامید.

البته سرعت بالای زیست‌امروز و عطش تولید و مصرف را هم نمی‌توان در فهم هنر امروز نادیده گرفت. وقتی هنرمند می‌خواهد در کمترین زمان به بیشترین سطح تولید برسد خود را به تفکری پیوند می‌زند که امکان تولید انبوه را برای او فراهم کند. در چنین شرایطی است که هنرمند متناسب با خواست مخاطب پیش می‌رود و اثری را عرضه می‌کند که مورد پسند او باشد. با این تفسیر شاید بهتر باشد در برخی مفاهیم که امروز بدون هیچ پرسشی ذهن ما را تسخیر کرده و به یک الگو برای خلق اثر هنری تبدیل شده است کمی تردید کنیم. شاید باید هنر معاصر را جور دیگری ببینیم و تعریف کنیم.